

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصادف با: ۱۲ صفر المظفر ۱۴۳۵

روز: یک شنبه

ادامه امر سوّم

بیان شد که قائلین به دلالت امر بر مرّه و قائلین به دلالت آن بر تکرار، سعی نموده اند اموری را به عنوان قرائن عامّه و ادلّه خارجیه برای اثبات مدّعی خود ذکر نمایند. در بحث گذشته، به بعضی از قرائن عامّه مربوط به دلالت اوامر بر مرّه اشاره کردیم و سپس به ذکر برخی قرائن عامّه که مربوط به دلالت اوامر بر تکرار می باشد پرداختیم. بیان شد که مهمترین دلیل و قرینه عامّه قائلین به تکرار «مقایسه امر به نهی در جهت دلالت» می باشد که به سه وجه تقریب شده است. هر یک از مقررین این دلیل، سعی نموده اند بر حسب همان تقریبی که مطرح نموده اند، پاسخ دهند. در ادامه به ذکر این پاسخ ها و نقد و بررسی آنها و همچنین بیان پاسخ مناسب با تحقیق، خواهیم پرداخت.

بیان پاسخ شیخ «رحمة الله عليه»

ایشان در العدة^۱، پس از تقریب دلیل اوّل به وجه اوّل، می فرمایند: «از این استدلال به دو صورت می توان جواب داد: یکی اینکه بگوییم اصل ادّعی دلالت نهی بر طلب ترک علی نحو الدوام و مکرراً، نادرست است، بلکه نهی هم مثل امر بوده و همانطور که امر بظاهره، تنها بر طلب انجام متعلّق مرّه واحده دلالت دارد، نهی نیز بظاهره، تنها بر طلب ترک متعلّق دفعه واحده دلالت می نماید و اثبات دلالت نهی بر طلب ترک علی نحو الدوام و مکرراً، نیازمند دلیل خارجی دیگری می باشد. بنابراین در مقایسه مذکور، آنچه به عنوان وجه و علّت تشابه و مماثلة میان امر و نهی معرّفی شده، در نهی و مقیس علیه وجود ندارد. و دیگر آنکه بگوییم هر چند امر و نهی در جهت دلالت بر طلب مشترک می باشند، ولی به حسب مقام استعمال، میان این دو تفاوتی وجود دارد که موجب استفاده تکرار از نهی و عدم استفاده تکرار از امر شده است و آن تفاوت این است که در امثال نهی با ترک عمل، ابدیت و استمرار معقول بوده و مقدور مکلف می باشد، ولی در امثال امر با انجام عمل، ابدیت و استمرار معقول نبوده و مقدور مکلف نمی باشد. به عبارت دیگر، مکلف می تواند در هر حال و هر زمان و مکانی، عمل را ترک نماید، ولی نمی تواند در هر حال و هر زمان و مکانی، عمل را انجام دهد. بنابراین منشأ استفاده تکرار از نهی، ربطی به وضع یا ظهور صیغه نهی و یا اراده تکرار توسط مولی ندارد، بلکه مربوط به معقولیت و مقدوریت تکرار در مقام امثال نهی و عدم معقولیت و مقدوریت تکرار در مقام امثال امر می باشد».

^۱- ایشان در العدة، جلد ۱، صفحه ۲۰۲ می فرمایند: «و الجواب عن ذلك: أنا نقول في النهي مثل ما نقوله في الأمر، و أن الذي يقتضيه ظاهره أن لا يفعل دفعة واحدة و ما زاد على ذلك يحتاج إلى دليل آخر.

و من الناس من فرق بينهما فقال: الاستعمال فرق بين الموضعين لأن النهي يعقل منه في الشاهد التكرار، أ لا ترى أن من قال لغلامه: «لا تفعل كذا و كذا» يعقل منه الامتناع على كل حال، و ليس كذلك الأمر على ما بيناه. و قالوا أيضاً: إن النهي لما كان يقتضي الكف، و الكف عن المنهي عنه لا ضيق فيه و لا حرج فاقتضى لذلك الدوام، و ليس كذلك الأمر لأنه لو اقتضى الدوام للحق في ذلك المشقة و الضيق. و قالوا أيضاً: إن من انتهى عن الفعل في الأزمان كلها يقال فيه أنه انتهى عما نهى عنه، و إذا امر بالشئ و فعله ثم فعل مرة أخرى لا يقال أنه فعل ما امر به و المعتمد هو الأول، و بعده الفرق الثاني و هو الرجوع إلى الشاهد».

نقد پاسخ شیخ «رحمة الله علیه»

ایشان اگر چه پاسخ اول را مُعْتَمَد خود در ما نحن فيه قرار داده و پاسخ دوم را در مرتبه بعد مطرح می نمایند، ولی به نظر می رسد که پاسخ دوم، با استدلال به دلیل اول به وجهی که ایشان ذکر نموده و با تفسیری که مثل ابوالمعالی جوینی در البرهان از این وجه بیان نموده اند، تناسب بیشتری دارد. چون مستفاد از ظاهر کلام کسانی که دلیل اول را به وجه اول تقریب نموده اند، آن است که می خواهند از طریق مرتبط دانستن امر با نهی در جهت دلالت بر تکرار و ریشه یابی این ارتباط در دلالت هر امری بر نهی از اضداد متعلق آن امر و اینکه نهی از اضداد، مقتضی اجتناب از آنها به طور مستمر هست و اجتناب به طور مستمر، تنها با تکرار و انجام پی در پی متعلق امر ممکن می باشد، قرینه عامه ای مرگب از مطالبی که ذکر شد را ثابت نمایند که این قرینه عامه، ما را دلالت دهد بر اینکه هر چند امر فی نفسه به لحاظ هیئت و ماده دلالت بر تکرار ندارد، لکن به اعتبار این قرینه عامه، مقتضی تکرار متعلق خود می باشد.

در واقع کسانی که دلیل مذکور را به وجه اول تقریب نموده اند، در صدد ایجاد ارتباط میان امر و نهی به وجه مذکور می باشند تا اینکه قرینه ای خارجی برای اراده تکرار متعلق در اوامر، معرفی نمایند، و اما پاسخی که شیخ «رحمة الله علیه» بیان می نمایند مربوط به جایی است که ادعا شود، چون نهی دلالت بر طلب دارد، ظهور در تکرار دارد و امر هم دلالت بر طلب می کند، پس ظهور در تکرار دارد. زیرا در چنین صورتی است که در مقام پاسخ گفته می شود: ما اصل ظهور نهی در تکرار را نفی می نمایم و بلکه معتقد به ظهور نهی در مره هستیم، همانطوری که معتقد به ظهور امر در مره می باشیم، مضاف بر اینکه ظهور امر در مره مبنای ایشان است و در گذشته بیان شد که دلیلی بر اثبات این مطلب وجود ندارد.

و اما پاسخ دوم چون در صدد آن است که اقتضای تکرار در نهی، اساساً از خود نهی و صادر کننده آن خارج شود و مربوط به امثال و مکلف گردد تا اقتضای تکرار در نهی، بتواند به عنوان قرینه عامه برای اقتضای امر صادر شده از مولی نسبت به تکرار، معرفی شود، لذا تناسب بیشتری با تقریب دلیل مذکور به وجه اول دارد، ولی با این وجود، کسانی که مدعی ارتباط نهی و امر در جهت اقتضای تکرار هستند، می توانند بگویند: اگر بپذیریم ریشه اقتضای نهی نسبت به تکرار، معقولیت و مقدوریت تکرار در امثال نهی می باشد، همین معقولیت و مقدوریت تکرار، در امثال اوامر نیز وجود دارد. چون تکرار امثال اوامر، تنها در فرضی معقول نیست که مراد از تکرار، انجام متعلق امر، در هر زمان، مکان و یا حالتی باشد، ولی اگر مراد از تکرار، انجام متعلق امر، در حدّ توان عرفی مکلف باشد، تکرار امثال امر نیز مقدور و معقول بوده و در نتیجه اقتضای تکرار در نهی می تواند به عنوان قرینه ای عامه، در جهت اثبات اراده تکرار در متعلق اوامر شارع معرفی شود.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»